



History & Culture

Vol. 50, No. 2, Issue 101

Autumn & Winter 2018-2019

DOI: <https://doi.org/10.22067/jhc.v50i2.76921>

تاریخ و فرهنگ

سال پنجاهم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰۱

پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ص ۴۴-۲۷

تأثیر سبک مدیریتی نظامیه‌ها در عصر خواجه نظام الملک بر جریان‌های مدیریتی حاکم بر علم در تمدن اسلامی*

دکتر محمد باغستانی کوزه‌گر

استادیار گروه هنر و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

Email: m.baghestani@isca.ac.ir

چکیده

مدارس نظامیه به سبب سبک مدیریتی ویژه تا مدت‌ها نقش مهم و ماندگاری در تحول جریان مدیریتی علم در تمدن اسلامی برجای گذاشتند. با این فرض که تحول جریان مدیریتی نظامیه‌ها به سبک مدیریتی حاکم بر آن‌ها در زمان خواجه نظام الملک (مقتد. ۴۸۵ق) وابسته بوده، پرسش این مقاله چیستی سبک مدیریتی نظامیه‌ها در زمان صدرات خواجه و واکاوی تأثیر آن بر جریان مدیریتی حاکم بر علم در جهان اسلام و تمدن اسلامی است. مبنای مدیریتی خواجه نظام بر محدودیت فعالیت‌های علمی آن مدارس به یک مذهب خاص کلامی (اشعری) و فقهی (شافعی) استوار بود. دستاورد و پیامد این مبنای مدیریتی به ترتیب «پیشرفت و ارتقای ساختار و کیفیت امکانات نظام آموزشی» در عرصه مدیریت بیرونی حاکم بر علم و «زوال علوم و کاهش توان ابداع، خلاقیت و نوآوری» در عرصه مدیریت درونی حاکم بر علم بود.

کلیدواژه‌ها: نظامیه‌ها، خواجه نظام الملک، پیشرفت و زوال علوم، تمدن اسلامی.

The Influence of the Management Style of Nezamiyeh Schools in the Era of Khwaja Nizam al-Mulk on the Managerial Systems of Science in Islamic Civilization

Dr. Mohammad Baghestani Kuzegar

Assistant Professor, Department of Islamic Art and Civilization, Institute of Islamic Sciences and Culture

Abstract

Nezamiyeh schools, on the account of their special management style, have long played a crucial and lasting role in the evolution of the science management system in the Islamic civilization. Assuming that the evolution of Nezamiyeh management system has been influenced by the governing style of the Khwaja Nizam al-Mulk (murdered in 485 AH), the main question of this paper is concerned with the management style of Nezamiyeh schools under the rule of Khwaja and its impact on the management system of science in the world of Islam and Islamic civilization .

The administrative foundation of Khwaja was based on restricting scientific activities of those schools to a particular Kalamī religion (Ash'ari) and jurisprudential school (Shafi'i). The primary achievements and consequences of this managerial basis were respectively “improvement and promotion of the structure and quality of educational system facilities” in the domain of external management system of science and “the decline of science and suppression of creativity and innovation” in the domain of internal management system of science.

Keywords: Nezamiyeh, Khwaja Nizam al-Mulk, progress and decline of science, Islamic civilization.

مقدمه

جریان‌های مدیریت علم در تمدن اسلامی با ظهور مدارس نظامیه در هنگام صدارت خواجه نظام الملک توسی دچار تحول اساسی شدند. ساخت این مدارس در ادامه سیر تحول مکان‌های آموزشی به گونه‌ای ویژه، سیر تکاملی سازه‌های آموزشی را در تمدن اسلامی رقم زد و آن را از وجاهت و اعتبار تازه برخوردار ساخت و حتی به الگوی مراکز آموزشی اروپا در قرون وسطا بدل ساخت (کسانی، ۲۷۴-۲۷۶). با اقدامات ویژه خواجه نظام الملک به عنوان بانی و واقف نظامیه‌ها، جریان‌های حاکم بر علم شتاب گرفته، از مسیر پیشین درآمد و راهی دیگر پیش گرفت. تشریح چگونگی این تغییر مسیر در حرکت کلی جریان‌های حاکم بر علم از طریق واکاوی حوزه‌های فعالیتی و مدیریتی جریان‌های حاکم بر علم و تحولات آنها در این دوره تاریخی به دست می‌آید.

پیشینه، روش و چهارچوب نظری

شماری از پژوهش‌های گوناگون در موضوعات تاریخ علم در تمدن اسلامی، تاریخ علم در ایران، تاریخ نهادهای آموزشی و تاریخ‌های مرتبط با سلجوقیان مطالبی را در موضوع این پژوهش دربردارند. اما در میان آن‌ها دو عنوان کتاب به این پژوهش بسیار نزدیک‌ترند. نخست مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن که نویسنده بخشی از فصل هفتم را به بررسی آثار این مدارس بر فضای علم اختصاص داده است (کسانی، ۲۷۹-۲۹۰) و دیگری کتاب سوسپولوجیا الفکر الاسلامی؛ طور الانهیار (۲) که در آن نویسنده آثار منفی سیاست‌های خواجه نظام الملک را بر خروجی‌های جریان علم، مفصلاً تبیین کرده است (اسماعیل محمود، ۳۵-۱۶۳). در میان مقالات فارسی نیز مقالات «علل افول علم در تمدن اسلامی» (سعیدی نیا، ۹۳-۱۱۸) و «نقش نظامیه‌ها در انحطاط علوم اسلامی» (انصاری، ۲۱-۳۲) به همین موضوع پرداخته‌اند؛ با این‌همه، هیچ‌کدام از این آثار تأثیر سبک مدیریتی خواجه نظام الملک در نظامیه‌ها بر جریان‌های مدیریتی حاکم بر علم در تمدن اسلامی را بررسی نکرده‌اند. با وجود این، میان نتایج این پژوهش و آنچه این آثار در بررسی دستاوردهای گوناگون نظامیه‌ها بیان کرده‌اند، شباهت‌هایی مشاهده می‌شود. این پژوهش می‌کوشد با نگاه به جریان مدیریتی حاکم بر علم پیش از نظامیه‌ها و تبیین ویژگی‌های آن‌ها، به واکاوی تأثیر اقدامات مدیریتی خواجه بر تحول این جریان و آثار گوناگون آن بپردازد.

روش انجام این پژوهش توصیفی - تحلیلی و بر جامعه‌شناسی علم استوار است. علم در این حوزه یک پدیده اجتماعی است و عوامل تأثیرگذار در آن را انگیزش‌های سامان‌یافته بیرونی که تابعی از شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است، سامان می‌دهد. این شرایط در این پژوهش به عنوان جریان

مدیریتی حاکم بر فضای بیرونی علم یاد شده و روابط ویژه درونی دانشمندان با یکدیگر و بینش‌ها و کنش‌های برآمده از آن به عنوان جریان مدیریت درونی حاکم بر علم خوانده شده است (توکلی، ۵۲-۴۹، ۱۴۷).

۱- فرآیند سامان‌یابی جریان بیرونی حاکم بر علم تا پیش از نظامیه‌ها

علم‌دوستی در تمدن اسلامی، پس از گذر از مراحل اولیه اعتباریابی دانش توسط قرآن و سنت نبوی (حکیمی و دیگران، ۵۷، ۱۶۴)، با گسترش جهان اسلام در فاصله سال‌های ۱۲-۱۱۴ق و از میان رفتن مرزهای سیاسی جهان باستان و آشنایی ملت‌های گوناگون با یکدیگر و بی‌اعتباری نژاد و زبان و اقلیم در اسلام (حجرات، ۱۳) به یک فرهنگ عمومی تبدیل شد و مشارکت ملت‌های مختلف در بسط و رونق آن میسر شد.^۱ این مشارکت گسترده در فراهم آوردن زیرساخت‌ها، حمایت از رشد علم را یکی از محورهای مهم فعالیت خود قرار داد و دانش‌دوستی با گذر از فرآیندهای زیر به یک جریان مسلط در گستره جهان اسلام ارتقا یافت:

۱-۱- حمایت از اقتباس علمی

تشکیل جهان اسلام لزوم اقتباس از دستاوردهای علمی ملت‌های گوناگون ساکن در آن را ضرورت بخشید. امویان آغازگر حمایت از اقتباس علمی بوده (ابن‌ندیم، ۳۰۳/۱) و در عهد شماری از خلفای عباسی و نیز امیران آل‌بویه تا سده ۴ق نهضت ترجمه ادامه یافت (هاشمی، ۲۶/۷-۳۱). این حمایت به ظهور مترجمان بزرگ و نگاشتن کتاب‌های پرشمار در موضوعات علمی (همو، ۳۱/۷-۴۴) و آشنایی دانشمندان جهان اسلام با میراث علمی جهان باستان انجامید.

۱-۲- حمایت از ساخت زبان علمی

زبان عربی با نزول وحی از یک زبان بومی به یک زبان دینی تحول یافت و با فرمان عبدالملک (۶۶-۸۶ق) به زبان اداری تبدیل شد (طبری، تاریخ، ۱۳/۳). مهاجرت گروهی اعراب مسلمان به مناطق مفتوح و ازدواج آنان با مردم بومی (بلاذری، ۴۰۱) زمینه گسترش زبان عربی را بیش از پیش مهیا کرده و نفوذ آن را در زبان‌های بومی این مناطق میسر ساخت (ثعالبی، ثمار القلوب، ۱۷، ۴۵، ۹۰). نهضت ترجمه نیز حجم فراوان‌تری از واژگان تخصصی دانش‌های گوناگون را به درون زبان عربی آورد. این تحولات، زبان عربی را به زبان علمی بین‌المللی در گستره جهان اسلام تبدیل کرد.

۱. با وجود سیاست‌های نژادپرستانه برخی از خلفا، مشارکت گسترده ایرانیان در تأسیس خلافت عباسی و نیز حضور صدها دانشمند و سیاستمدار گوناگون از نقاط مختلف جهان اسلام از نژادهای متفاوت در عرصه فعالیت‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و علمی می‌تواند از این واقعیت حکایت داشته باشد که سده‌ی به نام نژادپرستی در تاریخ تمدن اسلامی دوام نیافته است.

۱-۳- پذیرش نظام اداری و سیاسی نامتمرکز

با توجه به گستردگی جهان اسلام و تنوع های منطقه ای آن از اواخر سده ۲ ق با ظهور ادریسیان در شمال آفریقا، طاهریان در خراسان، سامانیان در ماوراءالنهر، صفاریان در سیستان، علویان در طبرستان، فاطمیان در مغرب و زیاریان در شمال ایران، نظام اداری و سیاسی نامتمرکز بر جهان اسلام چیره شد و با پذیرش آن از سوی نظام خلافت، رسمیت یافت و به سامان یابی نظام های اداری محلی که زمینه رقابت های گوناگون علمی در سده های ۴ و ۵ ق را فراهم آوردند، کمک کرد.

۱-۴- تاسیس شهرهای علمی

نظام اداری و سیاسی نامتمرکز با تأسیس مراکز قدرت منطقه ای متعدد زمینه رقابت علمی را فراهم آورد. ورود امیران محلی در ساحت جذب بیشتر دانشمندان به پایتخت های خود به ساخت و سازهای مراکز علمی امداد رساند و در کنار بغداد (ثعالی، یتیمه الدهر، ۱۲۵/۳-۱۵۵) پایتخت خلافت عباسی، دیگر شهرها و مناطق بزرگ و کوچک در جهان اسلام مانند بخارا (همو، ۱۱۵/۴-۲۲۰)، خوارزم (همو، ۲۲۳/۴-۲۹۱)، بُست (همو، ۳۹۸-۳۴۵/۴)، نیشابور (همو، ۴۷۱/۴-۵۲۰)، ری (همو، ۲۲۵/۳-۳۳۶)، گرگان و طبرستان (همو، ۳/۴-۶۷) حلب (همو، ۳۷/۱)، مصر و مغرب (همان، ۳۴۹/۱-۵۰۰) و اندلس (همان، ۱۱۹-۳/۲) به مراکز علمی تبدیل شدند.

۱-۵- حمایت از گسترش فرهنگ علم دوستی و لوازم آن

از دیگر سیاست های مهم حمایتی جریان بیرونی حاکم بر علم همین سیاست بود که با ظهور رفتارهای دانش دوستانه از سوی حاکمان و صاحب منصبانی مانند سیف الدوله حمدانی در شام (ثعالی، یتیمه الدهر، ۳۷/۱-۵۳)، مستنصر اموی در اندلس (مقری، ۳۹۵/۱)، صاحب بن عباد در ری و اصفهان (بهمنیار، ۴۳) و حمایت های مالی آنان و دیگر حاکمان از دانشمندان (مقریزی، ۴۸۴/۱، ۵۱/۳) و ساخت مساجد بزرگ با کارکردهای عبادی و آموزشی (غنیمه، ۹، ۱۱، ۱۵، ۱۷، ۱۹)، موقوفه های علمی کنیزکان دربار خلفا و سلاطین (ارناؤوط، ۱۷، ۱۰، ۵۵، ۶۷، ۷۹)، کتابخانه های بزرگ (ابن ندیم، ۶۲، ۱۹۳، ۱۹۹؛ ابن ساعی، ۲۳۰/۱؛ مقریزی، ۱۳۳/۲، ۲۸۰، ۲۹۰) خود را نشان داد و رونق کتاب دوستی و ساخت کتابخانه های شخصی با حجم پرشمار (خطیب بغدادی، ۶/۳؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ۳۵۴/۱؛ ابن الانباری، ۲۱۶؛ ابن خلکان، ۲۳۰/۲)، بازارهای بزرگ فروش کتاب (ابن ندیم، ۸۶، ۲۴۲) منزلت اجتماعی دانش (یاقوت حموی، معجم الادباء، ۱۹۷/۵) و رونق هنر کتاب آرائی (ابن فرحون، ۳۳۴) را در جامعه اسلامی به همراه آورد. در یکی از پژوهش های اخیر با بررسی رفتارهای گوناگون سلاطین و صاحب منصبان در حمایت از دانشمندان، موارد مذکور در نه سرفصل گزارش شده است (نک: غفرانی، ۱۱۱-۱۲۱).

مجموعه این کنش‌های بیرونی که از سوی حاکمان و طبقات مختلف اجتماعی در سراسر جهان اسلام در حمایت از رشد و توسعه علم انجام شد جریان بیرونی حاکم بر علم را سامان داد و ویژگی‌های مدیریتی آن (با وجود پراکندگی جغرافیایی مدیریت‌ها در سراسر جهان اسلام) را با عنوان‌هایی چون اعتباربخشی اجتماعی به علم دوستی، ارتقاء جایگاه معنوی و اجتماعی همه دانشمندان رشته‌های گوناگون، گسترش مراکز علم و امکانات سخت افزاری آن و سرانجام رقابت گسترده برای جذب و به کارگیری دانشمندان در قلمرو گسترده جهان اسلام یاد کرد.

۲- ویژگی‌های جریان مدیریت بیرونی حاکم بر علم پس از برپایی نظامیه‌ها

پس از تشکیل امپراتوری بزرگ سلجوقی در خراسان و شماری از شهرهای ایران، بغداد، شام، مصر، آسیای صغیر و ارمنستان در نیمه سده ۵ق، مدیریت اداری آن به دست دبیران و صاحب منصبان ایرانی افتاد (کسائی، ۲۶-۲۸). در میان این صاحب منصبان خواجه نظام‌الملک توسی با توجه به اقدامات پر دامنه خود شهرت یافت (عوفی، ۶۴؛ سبکی، ۳۱۷/۴؛ یافعی، ۱۳۵/۳-۱۳۹). او با توجه به تصدی مقام صدارت سلجوقیان توانست با ورود به عرصه اقدامات علمی نماد جریان بیرونی مؤثر بر حرکت علمی به شمار آید. اقدامات او در رتبه عالی‌ترین مقام مدیریت کننده جریان بیرونی علم را می‌توان در عناوین زیر یاد کرد:

۲-۱- تهیه امکانات آموزشی و پژوهشی و حمایت مالی از اهل علم

بیشترین کوشش خواجه در اجرای این سیاست حمایتی در ساخت و تجهیز مدارس عمومی و مدارس عالی نظامیه تجلی یافت. یکی از پژوهشگران معاصر با بررسی داده‌های مرتبط با شمار این مدارس و مناطق ساخت آن‌ها، از یازده نظامیه و دو مدرسه در سیزده شهر یاد کرده است (کسائی، ۶۹-۷۱). نفوذ گسترده او بر آلپ ارسلان (حک: ۴۴۵-۴۶۵ق) و ملک‌شاه سلجوقی (حک: ۴۶۵-۴۸۵ق) و حمایت‌های مالی آنان از او و اعطای اختیار تصرف در خزانه دولت به وی (همو، ۷۲)، چنان بود که خواجه را موفق به ساخت مدارس پرشماری کرد و در یک سال به عدد هفتاد مدرسه رساند. او یک‌دهم درآمد دولت را به آن‌ها اختصاص داد (همو، ۷۱). از این اقدام به عنوان سرمنشأ نهضت مدرسه‌سازی در جهان اسلام یاد شده است (سبکی، ۳۱۳/۴). گفتنی است که پیش از نظامیه‌ها، مراکزی چون جندی شاپور (پل انتقال فرهنگ علمی ایران باستان به دوره اسلامی)^۱، بیت الحکمه‌ها یا مراکز ترجمه^۲، جامع الازهر^۳، دارالعلم‌ها^۱

۱. برای آگاهی بیشتر نک: محمدی ملایری، محمد، «دانشگاه جندی شاپور»، در مقالات و بررسی‌ها، ش ۶۵، صص ۲۲-۱.

۲. برای آگاهی بیشتر نک: قطبی، سیمین، «بیت الحکمه»، در دانشنامه جهان اسلام، ج ۵، صص ۸۳-۸۱.

۳. برای آگاهی بیشتر نک: امین، احمد، ضحی‌الاسلام، ۱۹۸-۱۹۹.

^۱ و دارالحکمه قاهره^۲ برپا شده بودند. سه مرکز اخیر به دلیل معاصرت با خواجه می توانست بر ذهنیت او در ساخت نظامیه ها اثر گذاشته باشد. در میان همه این مدارس، نظامیه بغداد از امکانات گسترده تر، بنای زیباتر و شهرت بیشتری برخوردار گشت. ویژگی های اداری، آموزشی نظامیه بغداد عبارت بود از برخورداری از شرایط ویژه برای استادان و دانشجویان، برنامه زودبازده آموزشی، هزینه سالانه ۱۵ هزار دیناری، موقوفات مشخصی مانند بازارها، حمام ها، دکان ها، املاک و کاروانسراها، برخورداری از نظام اداری منسجم و وجود مقام هایی مانند مقام تولیت، سرپرست و بازرس اوقاف، دربان و نگهبان، سازمان آموزشی ویژه مانند ضوابط استخدام ویژه مدرسان با شرایط ویژه علمی، اخلاقی، مذهبی، اجازه تدریس، فضای رقابت برای تدریس در میان استادان، زمان بندی برنامه درسی متناسب با استعداد دانشجویان خاص، تشریفات مجالس درسی مانند معارفه با استادان، حضور بزرگان و امیران در مجالس درس، لباس و کرسی ویژه استادان، حقوق و مزایای ویژه، مستمری روزانه برای استادان، کمک هزینه تحصیلی برای طلاب تهیدست، فراهم آوردن امکان استخدام در مناصب اجتماعی و سیاسی (کسائی، ۱۲۵-۱۳۳).

۲-۲- حمایت از تداوم حیات شهرهای علمی

بخش دیگری از اقدامات زیرساختی خواجه از گونه تداوم بخشی به ادامه حیات علمی شهرها بوده است. این تداوم دست کم از نظر افزودن به فضای آموزشی تازه در این شهرها که به رونق کار تحصیل و تدریس کمک می کرده قابل توجه است. گزارشی از مدارس شهرهایی مانند بلخ، هرات، خواف، مرو، نیشابور، ری، اصفهان، آمل طبرستان، بصره، موصل و جزیره ابن عمر (اطراف موصل) (کسائی، ۲۱۹-۲۴۹) را می توان نماد این کوشش تلقی کرد.

همین اندازه از داده های تاریخی می تواند اثبات کند که این وزیر بزرگ سلجوقی به عنوان نماد مدیریت جریان بیرونی حاکم بر علم در حمایت از جریان علمی و رونق آن نقش مهمی ایفا کرده و امکانات عالی و زیرساخت های مترقی را در باب علم و عالمان و ارتقای جایگاه اجتماعی آنان فراهم کرده و با اختصاص موقوفه های فراوان به این مراکز، ضمن تثبیت حاکمیت مدیریت بیرونی بر جریان علم، تداوم جریان علم را برای آینده پس از خود تضمین کرده است. تردیدی نیست که گستردگی زیرساخت های آموزشی در سطوح ابتدایی و عالی تا پیش از او به این اندازه نبوده است. بنابراین، کارنامه خواجه در مدیریت جریان بیرونی حاکم بر علم به عنوان یک پشتیبان و حامی که دست آوردهایی مانند ارتقای نهاد و سازمان آموزشی علم و تبدیل شدن آن به الگویی برای مراکز اروپائیان داشته (همو، ۲۶۹-۲۷۸) قابل ستایش است و شباهت های

۱. برای آگاهی بیشتر نک: پنجه، معصومعلی، «دارالعلم»، در *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۲، صص ۱۵۷-۱۷۵.

۲. برای آگاهی بیشتر نک: چنگیزی اردهالی، اسماعیل، «دارالحکمه»، در *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۵، صص ۷۰۸-۷۰۷.

فراوانی با ویژگی‌های مدیریتی جریان بیرونی حاکم بر علم تا پیش از برپایی نظامیه‌ها دارد و از نظر ساختار سازمانی و سازه‌های موجود در یک مرکز آموزشی نسبت به آن دوره ارتقا یافته است.

۳- ویژگی‌های جریان درونی حاکم بر علم پیش از نظامیه‌ها

گسترش فرهنگ علم‌دوستی در جهان اسلام و شکل‌گیری بنیان مراکز و شهرهای علمی و ظهور دانشمندان در رشته‌های گوناگون جریان مدیریت درونی حاکم بر علم را نیز شکل داد و آن را از این ویژگی‌ها برخوردار ساخت:

۳-۱- دانش‌طلبی بدون مرز

ویژگی دانش‌طلبی بدون مرز با باور به جهان‌وطنی، در نگاه مسلمانان معنا یافت و سفرهای علمی را با الهام از قرآن (توبه/۲۲) و توصیه‌های نبوی (ری‌شهری، ۲۸۴۹، ۲۸۵۴) شکل داد و در سه قاره گسترش داد و از ابعاد تجاری، دینی، تاریخی، جغرافیایی و علمی برخوردار شد (هندی، ۲). اهمیت رحله‌های علمی بعدها موضوع بعضی از نوشته‌ها شدند (ابن‌خلدون، ۱۰۴۴-۱۰۴۵) و منابع برخی از این رحله‌ها را گزارش کرده‌اند (خطیب‌بغدادی، ۳۶-۲۲/۳، ۱۱۸-۱۲۰؛ ابن‌خلکان، ۱۶۳/۱-۱۶۵؛ ابن‌کثیر، ۲۷/۱-۳۰؛ مقرئ، ۲۲۹/۲-۲۳۰، ۲۴۱-۲۴۴، ۲۴۹-۲۶۱، ۲۸۳-۲۹۲؛ ۵۶-۵۷، ۱۳۴-۱۳۵).

۳-۲- مدارا و رواداری در عرصه دانش

مدارا و رواداری نسبت به دیدگاه‌ها و آراء دیگران در میان دانشمندان مسلمان، با تکثر فراوان خود، بر پایه دستور قرآنی جدال احسن (نحل/۲۵) و لزوم استماع هر سخنی (زمر/۱۷) شکل گرفت و نخست به هنگام شنیدن سخنان پیروان دیگر ادیان و مذاهب در میان دانشمندان مسلمان رونق یافت (طبری، دلایل الامامه، ۲۲۰-۲۳۰). مدارای دانشمندان مسلمان در قالب‌های زیر ظهور یافت: احترام اجتماعی دانشمندان نامسلمان نزد دانشمندان مسلمان (یاقوت حموی، معجم الادباء، ۱۳۶/۵) در موقعیت‌های اجتماعی و مناصب علمی (شعکه، ۱۶۹-۱۷۰، ۲۲۳-۲۲۵) که مستند به قرآن بود (ممتحنه/۸)، استقبال از دانشجویان نامسلمان (صفدی، ۲۵۷)، تدریس عالمانه منابع دینی اهل کتاب و همه فرق اسلامی (ابن‌خلکان، ۳۱۳/۵؛ ابن‌عماد، ۵۲۱/۷-۵۲۲)، برگزاری جلسات مناظره و گفت‌وگو با حضور صاحب‌نظران مذاهب و ادیان مختلف (ابن‌تغری بردی، ۲۹/۲) بر پایه استدلال به قرآن و سنت (حمیدی، ۱۷۵/۱-۱۷۶).

۳-۳- استدلال محوری

آیات پرهیزدهنده از تقلیدهای کورکورانه (بقره/۷۰) و تشویق‌کننده به برهان‌طلبی (نمل/۶۴) و

دعوت کننده به جدال احسن (عنکبوت/۴۶) در قرآن، سیره استدلال طلبانه برخی از پیشوایان دینی و سیاسی در برابر دگراندیشان (مجلسی، ۲۳۱/۵۷-۲۳۲؛ طبرسی، ۲۱/۱-۲۲، ۴۲۵/۲-۴۳۹؛ مفضل بن عمر، ۹-۱۰؛ زبیر بن بکار، ۵۱-۵۷) و دانشمندان مسلمان (بیرونی، القانون المسعودی، ۸۰/۱؛ ابن رشد، ۳۷) تنها نمونه‌هایی از میان گزارش‌های فراوانی هستند که استدلال محوری در آموزش و پرورش اسلامی را به منزله یک ویژگی مهم در مدیریت درونی علم نشان می‌دهند.

۳-۴- حقیقت‌طلبی در دانش

از دیگر ویژگی‌های رایج علم‌جویی در میان دانشمندان مسلمان حقیقت‌طلبی است. این ویژگی با استناد به آیات قرآنی نکوهش کننده حقیقت‌پوشان (عنکبوت/۶۸) و نیز احادیث تشویق کننده به حقیقت‌جویی و ترجیح همیشگی حقیقت تلخ بر باطل شیرین (مجلسی، ۲۶۵/۲؛ ۱۰۶/۷۰) شکل گرفته است؛ چنان که در سخنان مندرج در کتاب‌های دانشمندانی چون کندی (فخری، ۱۱۱)، فارابی (حلبی، ۱۰۶)، ابو الفضل بیهقی (بیهقی، ۹۰۶) و ابوریحان بیرونی (شابی، ۸۹) نیز بازتاب یافته است. از حقیقت‌جویی می‌توان به عنوان یکی از ویژگی‌های پذیرفته شده در تربیت و آموزش دانشمندان مسلمان در فضای مدیریت درونی علم یاد کرد.

۳-۵- وحدت مبنایی دانش‌ها

با توجه به منطق قرآنی خالق واحد و آیه بودن جهان متکثر مادی از وجود او (انبیاء، ۲۲۷)، اندیشمندان مسلمان خدای واحد را در پس همه جهان مادی دیده و از همین منظر، مبنای واحدی در دانش‌های گوناگون یافته‌اند (آرام، ۲۶). این دیدگاه قرآنی هم مدیریت درونی مراکز علمی را در حوزه دانش جویی از تعصب دور داشته و هم آنان را شنونده و خواننده همه آراء علمی دیگران قرار داده است (اخوان الصفا، ۷۸/۱-۷۹، ۱۵۸-۱۵۹). افزون بر آن، این وحدت به هنگام پرداختن تخصصی به هریک از دانش‌ها، آشکارا مستند اندیشمندان مسلمان قرار می‌گرفت (بیرونی، افراد المقال فی امر الضلال، ۳۶-۳۷). همچنین این ویژگی کمک شایانی به گسترش علم‌جویی کرده و مناسبات علمی میان دانشمندان رشته‌های گوناگون را سبب می‌شد.

۳-۶- تناسب روش پژوهش با موضوع علوم

یکی دیگر از ویژگی‌های مدیریت جریان درونی حاکم بر علم، شناخت روش پژوهش در هر دانش بود که زمینه جداسازی دانش‌های نظری از دانش عملی را فراهم آورد. درک ضعف تعمیم روش پژوهش در دانش‌های نظری به دانش‌های عملی دانشمندان مسلمان را به آفرینش دانش‌های نو و کاربردی نوی در جهان اسلام رهنمون ساخت (هونکه، ۱۶۳/۱). شیوه آزمایش‌های منسوب به جابر بن حیان و آنان که در

دانش شیمی از او پیروی می‌کردند (لیبب عبدالغنی، ۱۸۹-۲۱۱)، شیوه درمان کلینیکی رازی (همو، ۲۱۳-۲۴۵) و شیوه مطالعات میدانی در دانش جغرافیا (بیرونی، الآثار الباقیه، ۱۳) نمونه‌هایی از آگاهی دانشمندان مسلمان از روش‌های متفاوت دانش‌های گوناگون است. این ویژگی‌ها تا پیش از عصر خواجه نظام‌الملک بر مدیریت جریان درونی علم حاکم بوده‌اند.

۴- ویژگی‌های جریان مدیریت درونی حاکم بر علم پس از برپایی نظامیه‌ها

شناخت ویژگی‌های مدیریتی جریان درونی حاکم بر علم با توجه به شهرت و آوازه بلند و امکانات عالی نظامیه‌ها و تبدیل شدن آن‌ها به الگویی فراگیر در ساخت مراکز آموزشی در جهان اسلام، سبب شد این مدارس به معیار داوری در این پژوهش تبدیل شوند. بنیان شکل‌گیری ویژگی‌های تازه این مدیریت را باید در متن وقف‌نامه مهم‌ترین مدرسه نظامیه (بغداد) در روزگار خواجه نظام‌الملک جست‌وجو کرد. با وجود ویژگی‌های خاص این مدرسه از نظر امکانات و مقررات، این وقف‌نامه از مقررات عمومی مدرسه‌های نظامیه در شهرهای دیگر نیز حکایت دارد. نکته مشترک مهم در همه نظامیه‌ها اختصاص یافتن آن‌ها به آموزش و پژوهش علوم و دانش‌های مرتبط با مذهب شافعی بود. در سند و متن «وقف‌نامه» نظامیه بغداد چنین آمده است:

«... واقف در وقف‌نامه شرط کرده که مدرسه نظامیه و املاک موقوفه آن بر پیروان مذهب شافعی در اصول و فروع وقف شده و مدرس و واعظ و کتابدار و قرآن‌خوان و مدرس نحو عربی نیز همه باید در اصول و فروع پیرو مذهب شافعی باشند...» (ابن جوزی، المنتظم، ۶۶/۹).

بدیهی است که واقف نظامیه‌ها، خواجه نظام‌الملک، افزون بر بودجه‌های دولتی، بخشی از هزینه‌های ساخت بنای نظامیه بغداد را خود پرداخته است (ابن جبیر، ۲۱۵). پیامدهای سه‌گانه انحصار امکانات عظیم دولتی به آموزش و پرورش بر پایه یک مذهب دو انحصار اجتماعی در حوزه علم را به دنبال داشته است:

رونق انحصاری برخی از علوم

دانش‌هایی که تدریس آن‌ها در نظامیه‌ها رونق گرفت عبارت بودند از فقه و اصول فقه شافعی به عنوان رکن اصلی مواد درسی، حدیث، تفسیر و دیگر علوم قرآنی، علم کلام، ادبیات و علوم وابسته به آن، ریاضیات در حد استفاده در موضوع ارث و به احتمال اندک طب (کسانی، ۱۳۷-۱۳۹). از نیمه سده ۵ق تا مدت‌ها این علوم در نظامیه‌ها به عنوان مراکز علمی عالی تدریس می‌شده است. غالب این گروه از دانش‌ها در قلمرو دانش‌های نقلی قرار داشته‌اند و بهره دیگر دانش‌ها از این امکانات عالی بسیار اندک بود.

رونق انحصاری فقه شافعی و کلام اشعری

اختصاص امکانات گسترده دولتی به مذهب شافعی و کلام اشعری فرصت کم‌نظیری برای این دو مذهب فقهی و کلامی به وجود آورد تا از گستردگی بیشتری برخوردار شده و بر شمار عالمان زیرمجموعه خود بیافزایند. فهرست مدرسان و دانش‌آموختگان معروف نظامیه بغداد و دیگر مدارس نظامیه نشان‌دهنده آن است که همه به فقه شافعی و کلام اشعری معتقدند (همو، ۱۳۹-۱۵۹، ۱۸۲، ۲۲۹، ۲۳۵، ۲۴۱، ۲۴۸). تداوم این سیاست آموزشی خواجه نظام الملک (ساخت مدرسه و اختصاص آن به شافعیان) توسط دولت‌های منشعب از سلجوقیان مانند زنگیان (۵۰۶-۶۳۸ق) (ابن جبیر، ۲۷۲) و ایوبیان (۵۶۷-۶۴۸ق) (سیوطی، ۱۸۶/۲)، به گسترش دانشمندان این دو مذهب و گسترش دامنه نفوذ آن‌ها در سده‌های بعدی انجامید.

حفظ این دو انحصار بدون مقابله با پیروان دیگر مذاهب به‌ویژه اسماعیلیه ممکن نبود. این تقابل‌ها با بدعت‌گذار نامیدن پیروان دیگر مذاهب توسط خواجه نظام الملک به عنوان وزیر بزرگ سلجوقیان آغاز شد (محقق، ۱۱۳-۱۱۸) و با اختصاص همه دانش‌های مرسوم در ساختار نظام آموزشی نظامیه‌ها به علوم نقلی، به‌جز دانش کلام اشعری، رونق یافت و با تکفیر دانشمندان علوم عقلی توسط شماری از دانش‌آموختگان نامدار نظامیه‌ها (غزالی، فضائح الباطنیه، ۱۵۰-۱۶۳؛ الاقتصاد فی الاعتقاد، ۱۷۵-۱۷۶؛ ابن‌غیلان، ۱۳) تداوم یافت و با حذف دانشمندان دیگر مذاهب از ورود به نظامیه‌ها (یاقوت حموی، معجم الادباء، ۴۱۵/۵؛ سبکی، ۲۳۳/۷) تثبیت شد.^۱ در این زمان، این تحولات و رویکردها به تدریج آثار خود را بر فضای علم نشان داد و مجموعه آن‌ها را می‌توان در سه عنوان مطرح کرد:

۴-۱ - تحول در قلمرو کنش‌های مدیریتی دو جریان بیرونی و درونی حاکم بر علم

شرایط فکری، اجتماعی و سیاسی جدیدی که پس از ساخت و آغاز به کار نظامیه‌ها پدید آمد، وضع ارتباطی دو جریان مدیریتی حاکم بر علم تا پیش از برپایی نظامیه‌ها را با تحولی بزرگ روبه‌رو ساخت. اگرچه نقطه آغازین این تحول با ارتقاء مدیریتی، فنی و حمایتی جریان بیرونی حاکم بر علم همراه شد، این موفقیت به دلایل گوناگونی چون نیاز به تقابل با دیگر مذاهب جهان اسلام به ویژه تفکر فلسفی اسماعیلی، عامل به هم ریختن مرزهای سنتی در ارتباط میان دو جریان مدیریتی بیرونی و درونی حاکم بر علم در عصر پیش از نظامیه‌ها شد و جریان مدیریتی حاکم بر علم پا را از محدوده «حمایت آزاد از علم» فرا نهاد و با تعیین ضابطه جدید علم‌جویی، آشکارا به «دخالت» در قلمرو مدیریت درونی حاکم بر علم پرداخته و گستره آن را محدود ساخت و مدیریت کلان درونی جریان دانش را تغییر داد و پایه‌های استقلال آن را

۱. با توجه این که در نظام آموزشی نظامیه‌ها جایی برای تدریس و تحصیل علوم عقلی لحاظ نشده بود، این تثبیت بیشتر احساس می‌شود.

سست کرد. این اقدام از فضای مناقشات عمومی مذاهب در نیمه دوم سده ۵ق اثر می پذیرفت. گفتنی است که پیش از آن نیز گرایش دولت‌های سامانی، غزنوی و آل بویه به یک مذهب در رونق آن تأثیر داشت؛ اما اقدامی ویژه در حوزه علم و آموزش و بنای یک نظام آموزشی خاص مانند نظامیه‌ها از سوی آنان صورت نگرفت.

۴-۲. تحول در موقعیت اجتماعی دانش‌ها و دانشمندان رشته‌های گوناگون

علوم عقلی به‌ویژه فلسفه و فیلسوفان حتی پیش از پرپایی نظامیه‌ها نیز چندان مورد احترام فقیهان و عالمان علوم دینی نبودند و گزارش‌هایی از کشمکش‌های دائمی میان آن‌ها با یکدیگر در ادوار مختلف (نک: ابراهیمی دینانی، ۱/۱)، حرام اعلام شدن دانش عقلی کلام از سوی اکثر فقیهان و محدثان اهل سنت چون شافعی و مالک و دیگران (ابن جوزی، تلبیس ابلیس، ۸۲-۸۳) به دلیل استفاده از دانش منطق در آن (بغدادی، ۶۷)، ملقب شدن مأمون عباسی به «امیر الکافین» به خاطر حمایت از ترجمه آثار فلسفی (ابن ندیم، ۴۸۳)، کشته شدن احمد بن طیب سرخسی به همین اتهام (صفا، ۱۶۲)، تکفیر نظام معتزلی (بغدادی، ۷۹-۹۱)، سوگند کتاب فروشان بغداد بر عدم خرید و فروش کتاب‌های فلسفه و کلام در سال ۲۷۹ق (ابن اثیر، ۳۶۸/۶) و متهم بودن منجمان (صفا، ۱۶۴)، هندسه‌دانان، پزشکان، موسیقی‌دانان، منطق‌خوانان و ریاضی‌دانان در نگاه بعضی از دانشمندان علوم دینی (یاقوت حموی، معجم الادباء، ۱۷۳/۴-۱۷۴) وجود داشته است. با این‌همه، تنوع حکومت‌ها با اندیشه‌ها و رویکردهای مذهبی متفاوت در میان سامانیان، آل بویه، فاطمیان و امکان برخورداری از امکانات دولتی و اجتماعی برای همه دانشمندان در جهان اسلام این توازن را برقرار می‌ساخت.

با ساخت مدارس نظامیه در دوره مورد بحث با امکانات کم‌نظیر و الگو قرار گرفتن آن‌ها در بخش‌هایی از جهان اسلام و حاکمیت دولت‌های همسو با عقیده خواجه نظام الملک پس از او (زنگیان، ایوبیان، ممالیک و...) طبیعی بود که اختصاص یافتن این امکانات به یک مذهب فقهی و عقیده کلامی، انحصارگرایی ویژه به شمار آمده و پیروان آن مذهب و عقیده را در موقعیتی فوق‌العاده قرار دهد. از این‌رو، با اعلام کفر فیلسوفان توسط مهم‌ترین استاد نظامیه بغداد، غزالی (غزالی، الاقتصاد فی الاعتقاد، ۳۰۷) و کوشش‌های فراوان ابن‌غیلان، از دانش‌آموختگان نظامیه، در جهت معرفی فلسفه و آراء فیلسوفان به عنوان منشأ فساد دینی (ابن‌غیلان، ۱۰-۱۴) و در ادامه تحریک مردم بر ضد فیلسوفان (ابن‌جوزی، المنتظم، ۱۵/۹) جریان مخالفت با فلسفه و علوم عقلی در این دوره با مدیریت خواجه نظام الملک از طریق دانش‌آموختگان نظامیه اوج گرفته و به عنوان نقطه عطفی در تاریخ علم در تمدن اسلامی مطرح شد. با چنین مدیریتی دانش‌های عقلی از حمایت جریان مدیریت بیرونی حاکم بر علم در نظامیه‌ها محروم شدند و از دایره

مدیریت جریان درونی حاکم بر علم در این مراکز نیز بیرون رفتند. این در حالی بود که دانش‌های نقلی تصریح شده در وقف‌نامه در حال رشد بود و دانشمندان آن از برترین موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی و اداری برخوردار می‌شدند. در چنین فضایی که تنها دانش و دانشمندان خاصی از حمایت برخوردار بودند، رقابت علمی سازنده میان دانش‌ها و دانشمندان که تا پیش از برپایی نظامیه‌ها جریان داشت، رو به ضعف رفت.

۴-۳- تحول در ویژگی‌های مدیریتی حاکم بر جریان درونی علم در نظامیه‌ها

در ادامه تأثیرگذاری مستقیم، دخالت خواجه نظام الملک، مدیر ارشد جریان بیرونی حاکم بر علم، با سیاست‌گذاری علمی در عرصه مدیریت درونی علم و اجرای عملی آن در نظامیه‌ها، با حاکم ساختن یک اندیشه ویژه در جریان مدیریت درونی علم، آن را از ویژگی‌های زیر برخوردار ساخت:

۴-۳-۱- پیدایش مبنای تازه در طبقه‌بندی علوم

طبقه‌بندی علوم تا پیش از نظامیه‌ها بر مبنایی علمی قرار داشت و هر یک از دانش‌ها در آن جایگاه علمی خود را داشتند و ارزش هر یک از دانش‌ها به تناسب قلمرو موضوعی آن بود و از سوی دانشمندانی چون فارابی (فارابی، ۳۸-۶۳) و ابن‌سینا (ابن‌سینا، ۸۵-۸) تبیین می‌شد و فلسفه، ریاضیات، نجوم و طب زیرمجموعه علوم عقلی شمرده می‌شد؛ اما پس از تأسیس نظامیه و استقرار مدیریت نو در آن، این جایگاه علمی به هم خورد. فلسفه به عنوان نماد علوم عقلی از دایره دانش‌ها بیرون رانده شد (غزالی، احیاء علوم الدین، ۳۴/۱-۳۸) و دانش‌های دیگر نیز به دلایلی خاص برای دین‌داری مؤمنان خطرناک اعلام شد (غزالی، المنقذ من الضلال، ۲۰-۲۷) و تدریس و تحصیل این دانش‌ها در نظامیه‌ها مطرود و مهجور ماند. این تحول پیامد تأسیس یک مبنای تازه در دانش‌جویی بود که به استناد قرائتی خاص از شریعت در نظامیه‌ها پیدا شد.

۴-۳-۲- مدیریت تجزیه شده در عرصه درونی علم

با اقدامات خواجه نظام الملک در نظامیه‌ها مدیریت درونی علم که پیش از برپایی آن‌ها یکپارچه بود، از دست رفت و به دو بخش تقسیم شد. این مدیریت‌های دوگانه عبارت بودند از بخش تحت حمایت حکومت و برخوردار از امکانات گسترده مالی (دانش‌های نقلی) و بخش پراکنده و آزاد و نابرخوردار از امکانات مالی و گرفتار در تنگناهای اجتماعی، اعتباری و مالی (غالباً دانش‌های عقلی و علوم وابسته به آن).

۴-۳-۳- مدیریتی با ویژگی‌های غیرعلمی

دخالت خواجه نظام الملک در قلمرو مدیریت درونی علم، موجب حاکم شدن معیارهای غیرعلمی بر

آن شد. با از دست رفتن استقلال این مدیریت، روح تسامح و مدارا و حقیقت‌جویی در دانش‌ها و میان دانشمندان جای خود را به ویژگی‌هایی چون تعصب و خشونت داد (عمادالدین اصفهانی، ۵۱-۴۹؛ ابن‌کثیر، ۱۲۶/۱۲). اوج این فضای غیرعلمی تربیت کسانی بود که بر اثر دخالت مدیریت بیرونی به جنگ با دانش‌های عقلی و علوم وابسته به آن برخاستند و به معیارهای علمی مدیریت درونی آسیب زدند.

۴-۳-۴- ورود جریان علم در فضای انحطاطی

با بسته شدن فضای آزاد رقابتی، ذهن دانشمندان از تکاپو باز ایستاد و مدیریت بیرونی و درونی جدید حاکم بر علم نتیجه‌ای بهتر از بازتولید دانش‌های نقلی با تکیه بر آراء پیشینیان نداشت و با توجه به الگو شدن مدارس نظامیه، این امر برای چندین سده دیگر نیز در گستره پنهان‌ور جهان اسلام تداوم یافت. گزارش‌های گسترده‌ای بر پایه تألیفات این دوره حکایت‌گر واقعیتی به نام بازخوانی آراء پیشینیان در عرصه دانش به جای ابداع در حوزه فرهنگ علمی است (اسماعیل محمود، ۳۵-۱۱۵).

نتیجه

نخست: مقایسه ویژگی‌های جریان بیرونی حاکم بر علم در جهان اسلام تا پیش از برپایی نظامیه‌ها با ویژگی‌های همان جریان پس از برپایی نظامیه‌ها در عصر وزارت خواجه نظام الملک توسی (وزارت: ۴۸۵-۶۷ق) نشان می‌دهد که پس از پیدایش نظامیه‌ها، ویژگی‌های عمومی این جریان با تعریف حوزه کنش خود در مدیریت فضای عمومی جامعه در اعتباربخشی اجتماعی به علم و عالم و فراهم آوردن زیرساخت‌ها و لوازم پیشرفت، به لحاظ عملیاتی و اجرایی ارتقا مدیریتی بالاتری یافته و حمایت از دانش و ساخت و سازهای مرتبط با آن از کیفیت بهتری نیز برخوردار شده است و این موضوع بدون تردید از مدیریت عالی خواجه نظام الملک توسی به عنوان مدیر ارشد جریان بیرونی حاکم بر علم حکایت دارد.

دوم: مقایسه ویژگی‌های جریان درونی حاکم بر علم تا پیش از برپایی نظامیه و پس از آن، از استقلال مدیریت درونی حاکم بر علم در دوره اول و از میان رفتن آن در دوره دوم نشان دارد و این امر از دخالت آشکار مدیریت جریان بیرونی در قلمرو مسئولیت‌های ویژه مدیریت جریان درونی حاکم بر علم از طریق منحصر ساختن امکانات گسترده دولتی به آموزش یک مذهب یا نحله خاص و دانش‌های وابسته به آن سرچشمه می‌گرفت. به عبارت دیگر، سیاست حمایت جریان بیرونی به سیاست دخالت مستقیم در حوزه مدیریت درونی دانش تغییر یافت و در پی آن، شماری از مهم‌ترین ویژگی‌های جریان درونی علم تا پیش از نظامیه‌ها مانند رواداری و تسامح علمی، حقیقت‌طلبی و استدلال‌محوری از میان رفت و جای خود را به تعصب، جمود، سرکوبی آراء مخالف و کوشش برای بی‌اعتبار ساختن اعتبار اجتماعی علوم عقلی داد.

سوم: برهم خوردن توازن و تعادل علوم عقلی و نقلی و حوزه های مشخص فعالیت های هر یک از دو جریان به دلیل حذف رقابت میان شاخه های علوم به رشد کمی دانش های نقلی انجامید و متخصصان آن پرشمار و پر آوازه شدند و به منصب های اداری و قضایی و سیاسی گسترده دست یافتند. با این همه، جریان کلی علم پس حذف رقابت منطقی میان دانش های عقلی و نقلی از مسیر شکوفایی دو سده پیش فاصله گرفت و به عصر انحطاط علمی رسید و تقلید از آراء پیشینیان به جای ابداع و ابتکار علمی بخش مهمی از فرهنگ عمومی جریان علم را اشغال کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، طرح نو، تهران، ۱۳۷۶ ش.

ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاريخ، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

ابن الانباری، عبدالرحمن بن محمد، نزهة الألباء فی طبقات الأدباء، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مکتبه العصریه، بیروت، ۱۴۲۴ ق.

ابن ساعی، علی بن انجب، الدر الثمین فی أسماء المصنفین، به تحقیق و تعلیق احمد شوقی بنین، محمد سعید حنشی، دار الغرب الاسلامی، تونس، ۱۴۳۰ ق.

ابن عماد، عبدالحی بن أحمد، شذرات الذهب فی خبر من ذهب، به کوشش عبدالقادر ارناؤوط، به تحقیق و تعلیق محمود ارناؤوط، دار ابن کثیر، دمشق، ۱۹۸۶-۱۹۹۳ م.

ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، تحفة النظار فی غرائب الامصار وعجائب الاسفار، ترجمه محمد علی موحد، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۷ ش.

ابن تغری بردی، یوسف بن عبدالله، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، المؤسسة المصرية العامه، قاهره، بی تا.

ابن جبیر، محمد بن احمد، رحلة ابن جبیر، به تحقیق حسین نصار، بی نا، مصر، ۱۳۷۴ ق.

ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، به کوشش محمد بن عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

_____ تلبیس ابلیس، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۶ ق.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمة موسوعة العلامة ابن خلدون، دار الکتب المصریه، قاهره، ۱۹۹۹ م.

ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الأعیان و أنباء أبناء الزمان، به تحقیق احسان عباس، دار الثقافة، بیروت، ۱۹۶۸-۱۹۷۷ م.

- ابن رشد، محمد بن احمد، فصل المقال في ما بين الحكمة و الشريعة من الاتصال، ترجمة سيدجعفر سجادي، انجمن فلسفه ايران، تهران، ١٣٥٨ش.
- ابن سينا، حسين بن عبدالله، منطق المشرقين، كتابخانه آيه الله مرعشي نجفي، قم، ١٣٦٤ش.
- ابن غيلان، عمر بن علي، حدود العالم، به كوشش مهدي محقق، مؤسسه مطالعات اسلامي دانشگاه تهران و دانشگاه مكي، تهران، ١٣٧٧ش.
- ابن فرحون، ابراهيم بن علي، الديباج المذهب في معرفة أعيان علماء المذهب، بي نا، مصر، ١٣٢٩ق.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمرو، البداية والنهاية، مكتبة المعارف، بيروت، ١٩٦٦م.
- ابن نديم، الفهرست، به تحقيق رضا تجدد، اساطير، تهران، ١٣٨١ش.
- اخوان الصفا، الرسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء، دار بيروت، بيروت، ١٩٦٤م.
- آرام، احمد، علم در اسلام، سروش، تهران، ١٣٨٨ش.
- أرناؤوط، محمد، وقف المرأة في عالم الاسلام؛ مقارنة جديدة لمكانة المرأة في المجتمع، جداول، بيروت، ٢٠١٤م.
- اسماعيل، محمود، سوسولوجيا الفكر الاسلامي طور الانهيار، سينا للنشر و الانتشار العربي، بيروت، ٢٠٠٠م.
- امين، احمد، ضحى الاسلام، بي نا، قاهره، ١٩٦٤م.
- انصاري، سمي، «نقش نظاميهها در انحطاط علوم اسلامي»، در تاريخنامه خوارزمي، سال اول، ش ٢، ١٣٩٢ش، صص ٢١-٣٤.
- بغدادى، عبدالقاهر، الفرق بين الفرق، مكتبة دار التراث، قاهره، ١٢٦٧ق.
- بلاذرى، احمد بن يحيى، فتوح البلدان، دار و مكتبة الهلال، بيروت، ١٩٩٨م.
- بهمنيار، احمد، صاحب بن عباد، شرح احوال و آثار، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ١٣٨٣ش.
- بيروني، ابوريحان، الآثار الباقية عن القرون الخالية، بي نا، لايبزيك، ١٩٢٣م.
- _____ القانون المسعودي، به تصحيح عبدالكريم سامي الجندى، بيروت، دار الكتب العلمية، ٢٠٠٢م.
- _____ افراد المقال في امر الضلال، جمعية دائرة المعارف العثمانية، حيدرآباد، ١٩٤٨م.
- بيهقي، ابوالفضل، تاريخ بيهقي، تصحيح علي أكبر فياض، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ١٣٥٦ش.
- پنجه، معصومعلي، «دارالعلم»، در دانشنامه جهان اسلام، ج ١٦، بنياد دائرة المعارف اسلامي، تهران، ١٣٩٠ش، صص ٧١٢-٧١٥.
- توكل، محمد، جامعه شناسي علم، جامعه شناسان، تهران، ١٣٨٩ش.
- ثعالبي، عبدالملك بن محمد، ثمار القلوب في المضاف والمنسوب، به تحقيق ابوالفضل ابراهيم، مكتبة العصرية، بيروت، ١٤٢٤ق.
- _____ يتيمة الدهر في محاسن اهل العصر، به شرح و تحقيق محمد محمود قميحه، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤٠٣ق.

چنگیزی اردهالی، اسماعیل، «دارالحکمه»، در دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۶، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۹۰ ش، صص ۷۰۸-۷۰۷.

حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیات، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۱ ش.

حلبی، علی اصغر، تاریخ فلاسفه ایرانی، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۶۰ ش.

حمیدی، محمد بن فتوح، جذوة المقتبس فی تاریخ علماء الاندلس، به تحقیق ابراهیم الأبیاری، دار الكتاب اللبنانی، بیروت، دار الکتب المصری، قاهره، ۱۹۸۳ م.

خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ مدینة السلام و اخبار محدثیها و ذکر قطانها العلماء من غیر اهلها و واردیها، به تحقیق و تعلیق بشار عواد معروف، دار الغرب الاسلامی، بیروت، ۲۰۰۱ م.

زبیر بن بکار، اخبار الموفقیات، به تحقیق سامی مکی العانی، منشورات الشریف الرضی، قم، ۱۳۷۴ ش.

سبکی، عبدالوهاب بن علی، طبقات الشافعیة الكبرى، به تحقیق عبدالفتاح محمد الحلو - محمود الطنجاجی، طبعة الحلبی، بی جا، ۱۳۸۳ ق.

سعیدی نیا، حبیب الله، «علل افول علم در تمدن اسلامی»، در پژوهش نامه تاریخ اسلام، سال اول، ش ۲، ۱۳۹۰ ش، صص ۹۷-۱۲۳.

سیوطی، عبدالرحمن، بغیة الوعاة فی طبقات اللغویین و النحاة، بی نا، قاهره، ۱۳۲۶ ق.

شابی، علی، زندگی نامه بیرونی، ترجمه پرویز اذکالی، وزارت فرهنگ و هنر، تهران، ۱۳۲۵ ش.

صفا، ذبیح الله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، مجید، تهران، ۱۳۸۴ ش.

صفدی، خلیل بن آیبک، الوافی بالوفیات، به کوشش هلموت ریتز، دار النشر شتاینر، ویسبادن، ۱۹۶۱ م.

طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ترجمه بهراد جعفری، اسلامیه، تهران، ۱۳۸۱ ش.

طبری، محمد بن جریر بن یزید، تاریخ، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۱۳ ق.

عمادالدين اصفهانی، ابوعبدالله محمد کاتب، دولت آل سلجوق، به تصحیح یحیی مراد، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

عوفی بخارایی، محمد، لباب الالباب، به تصحیح سعید نفیسی، ابن سینا، تهران، ۱۳۳۵ ش.

غزالی، ابوحامد محمد، احیاء علوم الدین، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۶ ش.

_____ الاقتصاد فی الاعتقاد، تقدیم علی بوملحم، دار و مکتبه الهلال، بیروت، ۱۴۱۳ ق-۱۹۹۳ م.

_____ فضائح الباطنیه، به تحقیق عبد الرحمن بدوی، دارالکتب الثقافیه، کویت، ۱۹۶۴ م.

_____ المنقذ من الضلال و الموصل الی ذی العزة و الجلال، اللجنة اللبنانية لترجمة الروائع، بیروت، ۱۹۶۹ م.

- غفرانی، علی، «فرهنگ بزرگداشت دانشمندان مهاجر و مسافر در شهرهای اسلامی»، در تاریخ و فرهنگ، سال چهل و پنجم، ش ۹۰، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۰۹-۱۲۶.
- غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۲ش.
- فارابی، ابونصر، إحصاء العلوم، با شرح و مقدمه علی بوملحم، دار و مكتبة الهلال، بیروت، ۱۹۹۶م.
- فخری، ماجد، تاریخ الفلسفة الاسلامیة، ترجمه عربی به قلم کمال الیازجی، الجامعة الامیرکیة، بیروت، ۱۹۷۹م.
- قطبی، سیمین، «بیت الحکمه»، در دانشنامه جهان اسلام، ج ۵، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ش، صص ۸۱-۸۳.
- کتبی، محمد بن شاکر، فوات الوفيات و الذیل علیها، به تحقیق احسان عباس، دار الثقافة، بیروت، ۱۹۷۳م.
- کسائی، نورالله، مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳ش.
- لیبب عبدالغنی، مصطفی، دراسات فی تاریخ العلوم عند العرب، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۲۰۰۸م.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بی‌نا، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- محقق، مهدی، نظام‌نامه سیاست؛ گزیده سیاست‌نامه، سخن، تهران، ۱۳۷۵ش.
- محمدی، محمد، «دانشگاه جندی شاپور»، در مقالات و بررسی‌ها، ش ۵-۶، دانشگاه تهران، ۱۳۵۰ش، صص ۱-۲۲.
- محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، دار الحدیث، بی‌جا، ۱۳۷۷ش.
- مفضل بن عمرو، توحید مفضل، ترجمه محمدباقر مجلسی، صدر، تهران، بی‌تا.
- مقری، احمد بن محمد، نفع الطیب من غصن الاندلس الرطیب و ذکر وزیرها لسان الدین الخطیب، به تحقیق احسان عباس، دارصادر، بیروت، ۱۹۸۸م.
- مقریزی، تقی‌الدین احمد، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، به تحقیق محمد زینهم و مديحة الشرفاوی، مكتبة مدبولی، قاهره، ۱۹۹۸م.
- هاشمی، سید احمد، «ترجمه»، در دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۸۳ش، صص ۲۵-۴۶.
- هندی، صالح زیاب، «الرحلة فی طلب العلم فی الاسلام و تطبیقاتها التربویة المعاصرة»، مجلة الدراسات العلوم التربویة، ج ۳۸، ش ۱، دانشگاه یرموک، اردن، ۱۴۲۸ق.
- هونکه، زیگرید، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۲ش.
- یافعی، عبد الله بن اسعد، مرآة الجنان و عبرة الیقظان، دانشگاه عثمانیه، حیدرآباد، ۱۳۳۷ق.
- یاقوت حموی، ابوعبدالله، معجم البلدان، دارصادر، بیروت، بی‌تا.
- _____ معجم الادباء، مطبعة عیسی بای حلی، قاهره، بی‌تا.